

In The Name Of God

باسمه تعالی



KEBABS AT THE VILLA

3

باغ و کباب و ...



Author: HOSSEIN GHAFARI SARAVI

Publisher: Shogh +98 911 532867

Design: Simaye Noor Kausar

Illustrator: Elham Arkia

Coloring: Zahraa Samvati

Submission: First 2013

Circulation: 5000 Vol

ISBN: 978-964-2801-65-7

ISBN Period: 978-964-2801-62-6

Price: 35000 R

سرشناسه : غفاری ساروی، حسین، ۱۳۴۳ -
GHAFARI SARAVI, HOSSEIN
عنوان و نام پدیدآور : AUTHOR /SINA'S STORIES
KEBABS AT THE VILLA
مشخصات نشر : ساری : شوق ، ۱۳۹۲ - ۱۳۰۱۳ م.
مشخصات ظاهری : ۱۲ ص. : مصور (رنگی).
فروست : THE SINA STORIES
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۰۱-۶۵-۷
۹۷۸-۹۶۴-۲۸۰۱-۶۲-۶
وضعیت فهرست نویسی : قیبا
یادداشت : فارسی - انگلیسی
یادداشت : عنوان به فارسی: ساعت سینا.
یادداشت : گروه سنی: ج
موضوع : اصول دین -- داستان‌های نوجوانان
موضوع : خدشناسی -- داستان‌های نوجوانان
موضوع : داستان‌های اخلاقی، اجتماعی
شناسه افزوده : شرکت سیمای نور کوثر
رده بندی دیویی : ۱۳۹۱ ب ۴۹ ع ۲۹۷/۴۲
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۶۱۴۸۵

Bijan and Sina were watching a discussion on TV between two people. Each person had a different point of view, and each one insisted that he was right.

Bijan and Sina looked at each other in amazement. Then Sina suggested that it would probably be a good idea for them to also have a discussion about their beliefs. Bijan agreed, but he was not sure that then and there was the right place and time for such a discussion. He suggested that they go to his father's villa on weekend and continue the discussion there in a relaxing, pleasant atmosphere. Sina accepted his invitation, and both of them counted down the hours in eager anticipation of the trip.



بیژن و سینا مشغول تماشای تلویزیون بودند: دو نفر که نظرانشان با هم مخالف بود، بر سر موضوعی بحث می کردند. هر کدام برای نظر خودش دلیل می آورد و به دیگری پاسخ می گفت.
بیژن و سینا نگاهی به یک دیگر انداختند. سینا گفت:
بیژن؛ چه خوب است من و تو نیز با هم بحث کنیم؟
بیژن: کار خوبی است ولی اینجا مناسب نیست.
جمعه همراه پدرم به باغمان می رویم و همراه با
تفریح، گفتگوی علمی هم انجام می دهیم.
سینا پیشنهاد دوستش را پذیرفت. آن دو، شب
جمعه به سختی خوابیدند و در فکر فردا بودند.